

تحلیل جملات امری ساده و مرکب در غزلیات سعدی بر اساس نظریه کنش گفتار سرل

سودابه فرخی، نسرین فقیه ملک مرزبان*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

سال شانزدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۴، صص ۱۹۳-۱۷۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7259

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: هر گوینده‌ای در طلب نفوذ و تأثیر بر مخاطب خویش است و در این مسیر روشی را برمیگزیند. آثار سعدی، بمثابة یکی از تواناترین گویندگان سخن پارسی، حاوی دستورالعمل‌های متنوعی برای بیان مقصود است. در پژوهش حاضر، به مبحث کاربرد جملات امری و چگونگی کاربرد آنها در غزل سعدی بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل پرداخته شده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بدین منظور ابتدا مبانی نظری کنش گفتاری سرل را بر مبنای پنج کنش ادعایی، تعهدی، بیانی، اعلامی، و امری با مثالهای متناسب از غزل سعدی شرح داده، سپس بر کنش امری تمرکز کرده و نشان داده میشود که سبک خاص سعدی در بیان جملات امری و بسامد و مخاطب آنها چگونه است.

یافته‌ها: در یکصد غزل، که به شیوه تصادفی منظم انتخاب شد، تعداد ۱۴۶ جمله امری در ۱۲۶ بیت وجود دارد. از مجموعه جملات امری تعداد صدویک جمله، ساخت مرکب دارد. از صدویک جمله مرکب، شصت و پنج جمله همراه با «که» تعلیل یا معنای تعلیلی است. از نظر مخاطب‌شناسی، این جملات امری خطاب به پنج دسته از مخاطبان گفته میشود.

نتیجه‌گیری: نظریه کنش گفتاری سرل در مورد جملات، با جملات سعدی در غزلیاتش انطباق دارد. او با استفاده از ساختمان «جمله‌واره پایه + «که» تعلیل + جمله‌واره پیرو» با بسامد زیاد به گونه خاص خود دست یافته است. در نتیجه‌گیری جنبی نیز معلوم شد که بیشترین مخاطب جملات امری اختصاص به معشوق دارد.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۰ تیر ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

سعدی، جملات امری، غزل، کنش گفتار، سرل، مخاطب‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

nfaghhi@alzahra.ac.ir

۸۸۰۴۴۰۴۰ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of simple and compound sentences of Sa'adi's sonnets based on Searle's speech act theory

S. Farrokhi, N. faghieh malek marzban*

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 March 2023

Reviewed: 05 May 2023

Revised: 21 May 2023

Accepted: 01 July 2023

KEYWORDS

Sa'adi, directive Sentences, Ghazal, Speech Act, John. R Searle, Audience ology.

*Corresponding Author

✉ nfaghieh@alzahra.ac.ir

☎ (+98 21) 88044040

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Every speaker seeks influence and influence on her audience and chooses a method in this direction. As one of the most capable Persian speakers, Sa'adi's works contain various instructions for expressing the meaning. In the present study, the subject of the use of directive sentences and how to combine them with predicate sentences in Sa'adi's ghazal is discussed based on Searle's speech act theory.

METHODOLOGY: This research is based on descriptive – analytical method. For this purpose, we first explain the theoretical foundations of Searle's speech act based on the five acts of assertive, commissive, expressive, declarative and directive with appropriate examples from Sa'adi's ghazal, then we focus on the directive act and show that Sa'adi's special style in expressing directive and frequency sentences and what is their audience like.

FINDINGS: We found that there are 146 directive sentences in 126 verses in 100 ghazals that were chosen randomly. The audience of these verses were divided into five groups. Of the set of directive sentences, 101 sentences have compound construction. Out of 101 compound sentences, 65 sentences with the conjunction express the reason or in the sense of expressing the reason. Also, from the point of view of audience, these sentences are addressed to five categories of audience.

CONCLUSION: Searle's speech act theory about sentences is consistent with what Sa'adi said in his sonnet sentences. He has achieved his own style by using the structure of "base clause plus Conjunction plus follower clause" with high frequency.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7259](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7259)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 2	 2

مقدمه

میتوان ادعا کرد سعدی شیرازی در مجموعه آثار خود از بیشترین ظرفیت ابعاد زبانی و قابلیت‌های صوری و محتوایی زبان فارسی بهره میبرد تا علاوه بر معانی صریح، به اغراض ثانویه و مقوله‌های عاطفی بدون پیچیدگی پردازد. توانایی وی در بهره‌گیری از زبان گفتار، امکانات بسیار گسترده‌ای پیش روی او نهاده است که ویژگی مشهور سهل‌ممتنع را میتوان از دستاوردهای آن تلقی کرد. این امر موجب میشود ویژگی‌های نحوی منحصر بفردی در مقایسه با همعصران در زبان سعدی شکل بگیرد. از آنجا که آثار سعدی هم در نظم و هم در نثر، به گواه متخصصان و ادب‌پژوهان، نمط عالی سخنوری است، عمده تحلیل‌های زبانی در این آثار متمرکز بر حوزه زیبایی‌شناسی صرف است و کمتر به ابعاد ذهنی و تحلیل و تفسیر نحو زبان او پرداخته شده است. رویکردهای متعددی برای تحلیل زبان وجود دارد که میتوان با استفاده از آنان، هر بار به افق‌های جدیدی از تحلیل و تفسیر زبان راه برد. به نظر میرسد علیرغم تحقیقاتی که پیرامون نحو زبان سعدی و مقوله گفتگو در آثار سعدی تا کنون صورت گرفته، راجع به منظورشناسی متون فارسی -عموماً- و آثار سعدی -خصوصاً- تحقیق علمی ویژه‌ای انجام نشده است. از سوی دیگر آثار سعدی -بمثابه شاعر و نویسنده‌ای که مطابق اصل بیان‌پذیری سرل به سادگی و شیوایی اغراض خود را به نمایش میگذارد- میتواند مرجع قابل اعتمادی برای کشف و بازیابی قابلیت‌های دستور زبان فارسی باشد؛ همچنین شناخت کارکردهای دستوری اجزای زبان و انطباق آنها با قواعد معناشناسی، عملاً کارکرد دستور را در سطح بلاغت و حتی شناختن لایه‌های معنایی بوسیله ابزار زبانی بالا میبرد.

از جمله مقوله‌هایی که در کلام سعدی امتیاز ویژه‌ای مییابد بافت نحوی گفتگو‌هایی است که او در آثار خود، متناسب با موضوع به کار میبرد. مثلاً گفتگوی عاشق و معشوق یا گفتگوی عاشق و دیگری بمثابة پیک یا سرزنشگر یا اندرزگو در غزل، و گفتگوی میان انواع شخصیتها در حکایات بوستان و گلستان از حیث قابلیت‌های نحوی و به کارگیری اجزای ساختاری کلام برای ابلاغ معانی ثانویه، انواع مقاصد و احوالات عاطفی توجه ویژه‌ای میطلبد. بدین ترتیب بررسی گفتگوهای متن میتواند برای دستیابی به ذهنیت نویسنده و در عین حال یافتن الگویی تکرارشونده و مؤثر، راهبردی باشد.

سعدی، که سخن را مُلک مسلّم خود میداند، از کامیابترین نویسندگان و شاعران در نفوذ به ذهن و عاطفه مخاطب است؛ اما سبب این کامیابی چیست؟ سعدی از چه الگوهایی برای تأثیر و نفوذ بهره میجوید؟ با نظر به تقسیم‌بندی افعال و کنشهای منظوری جان. آر. سرل، به واکاوی ساختهای نحوی و تنوع کنشهای منظوری جملات امری سعدی میپردازیم. میدانیم که اقناع و تأثیر بر مخاطب برای پذیرش گزاره‌های عاطفی (بیانی) یا اعلامی، با مواجهه با مخاطب در کنشهای امری یا ترغیبی متفاوت است. سؤال اینجاست که آیا میتوان با نمونه‌برداری از متون (در اینجا غزل سعدی) به دسته‌بندی خاصی از کنشهای منظوری جملات امری دست یافت؟ آیا در کمی و بیشی جملات امری و مخاطبان آن در غزل سعدی، رابطه معناداری نهفته است؟ آیا سعدی برای مسئله نفوذ و اقناع از شیوه دستوری ویژه و تکرارشونده‌ای بهره جسته است؟

سابقه پژوهش

در باب غزل سعدی و در حوزه نحو، پژوهشهای فراوانی صورت گرفته است. از میان مباحثی که به منظورشناسی جملات میپردازد، میتوان به مبحث علم معانی النحو در بلاغت سنتی اشاره کرد. در این زمینه تحقیقات فراوانی در مورد غزل سعدی صورت گرفته است که مدّ نظر این مقاله نیست؛ اما با توجه به حوزه مورد نظر در پژوهش حاضر،

تحقیقاتی که در حوزه فعل امر یا کنشهای منظوری صورت گرفته، در متون مذهبی و عرفانی نسبتاً پر شمار است. در آثار سعدی، در مورد غزل، مشخصاً، مقاله یا کتابی نوشته نشده است؛ اما در حوزه معانی ثانوی، که قرابتی با منظورشناسی دارد، پژوهشهایی انجام شده است. از جمله این پژوهشها، مقاله «بررسی اغراض ثانویة جملات امری در غزلیات سعدی» نوشته عباس ماهیار و رحیم افضلی راد است که در آن با نظر به کتب بلاغی سنتی، انواع اغراض فعل امر را در بخشی از غزلهای سعدی جستجو کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که سعدی به سی‌ودو غرض ثانویه در جملات امری توجه داشته است. تحقیق دیگری که میتوان به آن اشاره کرد «دستور بلاغی و بررسی امر و نهی و معانی ثانویة آنها در غزلیات سعدی» در قالب پایان‌نامه ارشد، نوشته مجید ابوترابی است. نویسنده تعداد ۱۳۴۱ جمله دربردارنده امر و نهی بلاغی یافته و بر آن است که تعداد اغراض ثانویة آن بسیار بیش از آنچه در کتب بلاغی برشمرده‌اند، آمده است.

گفتنی است از میان آثار سعدی، که با نظر به کنش گفتار سرل مورد بررسی قرار گرفته است، مقاله «تحلیل مضمونهای تعلیمی گلستان بر بنیاد نظریة کنش گفتار سرل»، نوشته میرهاشمی، سارلی و ارجمند اینالو (۱۳۹۷) میباشد. مقاله دیگر «تحلیل حکایت جدال سعدی با مدعی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی (بر اساس نظریة سرل)» نوشته فاطمه علیخانی ثانی ابدالآبادی و محمد میر است.

روش مطالعه

مطالعه این تحقیق بر اساس توصیف و سپس تحلیل خواهد بود. جامعه آماری، هفتصدویک غزل سعدی است و حجم نمونه به شیوة تصادفی منظم، صد غزل است. منبع اصلی مورد نظر، غزلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی است. شیوة تحلیل بر اساس نظریة کنش منظوری جان. آر. سرل است که در بخش مبانی نظری پیرامون نظریه و تقسیم‌بندی کنشهای منظوری از دیدگاه سرل سخن گفته‌ایم.

بحث و بررسی

کنش گفتار، نظریه‌ای برای تحلیل و بررسی عملکرد زبان است و در واکنش به این باور که زبان، پدیده‌ای برای بازنمایی جهان است، سخن میگوید. فلاسفه از زبان بعنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و دادن اطلاعات از حقایق و وقایع جهان یاد کرده‌اند، اما این نظریه نشان میدهد که کارهای دیگری را نیز با کلمات میتوانیم انجام دهیم. فیلسوفان نظریة کنش گفتار بر این باورند که وظیفه فعل و طبعاً جمله، فقط مبادله اطلاعات نیست و گاهی گفتار برابر با عمل است؛ یعنی همزمان با بیان فعل، آن عمل انجام میگیرد و صدق و کذب ندارد؛ مثل تشکر کردن یا برای مثال وقتی بگوییم: «من اسم این پدیده را X میگذارم»، در چنین جمله‌ای، گوینده با گفتن آن بصورت همزمان دارد کاری انجام میدهد. در نتیجه جملات را در دو دسته کلی اخباری و کنشی قرار دادند که برخی جملات اخباری و قابلیت صدق و کذب دارند و برخی دیگر کنشی گفتاری هستند که صدق و کذب بر آنان مترتب نیست؛ بلکه تناسب یا عدم تناسب در آنها موضوعیت دارد.

پس از بررسیهای فراوان و آزمون و خطا پیرامون جملات متعدد، نتیجه آن شد که تقسیم‌بندی انواع جملات به اخباری و کنشی، نارساست؛ چراکه برای هر کدام از دلایل آن، مورد نقضی یافت میشد که اساس دسته‌بندی را مورد تردید قرار میداد. یعنی مقوله صدق و کذب یا تناسب و عدم تناسب برای انواع جملات در شرایط مختلف قابل اعمال بود (سرل، ۱۳۸۵: ۲۸-۳۴). نتیجه آنکه تمامی اظهارات زبانی را از مقوله «کنش» در نظر گرفتند؛

چون بر آن بودند که تبیین جمله، صرفاً بر اساس صورت نحوی و دستوری آن، کار ناقصی است و باید با نظر به اینکه این جملات، رفتار گوینده را نشان میدهند بررسی گردد. در نهایت کنشهای گفتاری در سه سطح مورد مذاقه قرار گرفت:

الف: کنش تلفظی (lectionary act): در این سطح گوینده واژه‌هایی را به کار میگیرد که حامل معنا هستند. این سطح اولیه کنش گفتار است که بواسطه آن جملاتی بیان میشود؛ مثلاً: «گمان نمیکنی که هوا سرد باشد؟» متشکل از چند واژه و دو جمله است.

ب: کنش منظوری [محتوایی] (illocutionary act): گوینده از اظهارات خود مقصودی دارد. در این مرحله، هدف گوینده بررسی میشود. طبق مثال فوق، گوینده یا بصورت مستقیم میخواهد نظر شنونده را بداند یا بصورت غیرمستقیم میخواهد شنونده را به انجام کاری مثل پوشیدن لباس یا بستن پنجره ترغیب کند.

ج: کنش تأثیری (perlocutionary act): گوینده با بیان عبارات خود در مخاطب واکنشی را برمی‌انگیزد و اثری میگذارد. این کنش در گفتگوی محاوره بیشتر قابل بررسی است و در متون ادبی غیرروایی در دسترس نیست. طبق مثال فوق واکنشی که شنونده انجام میدهد، (بستن پنجره یا پوشیدن لباس یا اظهار نظر کردن) در این دسته میگنجد.

پیش از سرل، استادش -آستین- پنج دسته مبنا و اساسی برای کنشهای منظوری تعریف کرد. سرل با این باور که لیست آستین در حقیقت دسته‌بندی کنش منظوری نیست، بلکه دسته‌بندی افعال منظوری در زبان انگلیسی است؛ شش اشکال را بر آن وارد دانست. پس از بیان اشکالات، اظهار داشت که کنشهای منظوری بواسطه حداقل دوازده بُعد خاص متنوع از یکدیگر متمایز میشوند (سرل، ۲۰۰۵: ۲-۸). سرل پس از بیان اهمیت و توضیح پیرامون دوازده ویژگی، دسته‌بندی جدید خود را پیشنهاد کرد. این دسته‌بندی شامل موارد ذیل است:

* **ادعایبها (Assertive):** در این دسته از کنشها، گوینده اطلاعاتی به مخاطب عرضه میکند. «هدف یا منظور اعضای دسته ادعایی این است که گوینده را در شرایط مختلف به چیزی (در درجات مختلف) و به حقیقت گزاره بیان‌شده متعهد کند» (همان: ۱۲). برای مثال در جمله «من نتیجه میگیرم که در آزمون موفق شده‌ام»، گوینده تلاش میکند بر درستی ادعای خود تأکید کند. در این کنش، جهت انطباق محتوا از کلمات به جهان و محیط اطراف است؛ یعنی جملات مطابق رویدادهای جهان به کار بسته میشوند. عبارت روان‌شناسانه آن «من باور / اعتقاد دارم که...» است.

افعال این کنش شامل توصیف کردن، شرح دادن، تفسیر کردن، ادعا کردن، اطلاع دادن، اعتراض کردن، ابراز کردن، بحث کردن، توضیح دادن، دسته‌بندی کردن، گفتن، گزارش دادن، بیان کردن و... است. «تمام کنشها برای تسهیل شناخت خودشان ابزارهایی دارند. ابزارهای تسهیل شناخت در کنش [ادعایی] عبارت است از: «من اثبات میکنم که...»، «من تأیید میکنم که...»، «من تصحیح میکنم که...» و...» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸)

مثال از غزل سعدی:

نه تو را از من مسکین نه گل خندان را
خبر از مشغله بلبل سودایی هست
O (کلیات سعدی: ص ۵۹۰)

حدیث عشق به طومار درنمیگنجد
بیان دوست به گفتار درنمیگنجد
O (همان: ص ۶۲۱)

در هر دو مثال فوق، جملات و منظور آنها از مقوله توصیفند و حالتی از ادعا کردن و شرح موضوعی را در خود

بطور مستقیم دارا هستند.

✱ **تعهدیها (Commissives):** در این کنش، گوینده متعهد میشود در آینده کاری را انجام دهد. محتوای گزاره‌ای در این کنش، مثل کنش امری، تطبیق جهان با کلمات است. گوینده با «متعهد شدن»، «سوگند خوردن»، «داوطلب شدن»، و «موافقت کردن»، وعده میدهد که کاری را در آینده انجام دهد.
مثال از غزل سعدی:

نه آن شب است که کس در میان ما گنجد به خاک پایت اگر ذره در هوا گنجد
(همان)
من پاس دارم تا به روز امشب به جای پاسبان کآن چشم خواب‌آلوده خواب از دیده‌ی ما میبرد
(همان: ص ۶۳۰)

در مثال اول، «به خاک پایت» آشکارا از سوگند و قسم بهره‌جسته که خود از مقوله‌ی تعهد است. نیز در مصراع دوم وعده داده «من پاس دارم...» که متعهد انجام کاری شده است.

✱ **بیانیها (Expressive):** این کنش، حاکی از بیان یک حالت روانی است که گوینده، عواطف خود را در آن بروز میدهد. «نمونه‌های افعال بیانی عبارتند از «تشکر کردن»، «تبریک گفتن»، «عذرخواهی کردن»، «تسلیم گفتن»، «دلسوزی کردن» و «خوشامد گفتن». توجه کنید که در بیانیها هیچ جهت انطباقی وجود ندارد. در نمایش یک بیانی، گوینده نه تلاش میکند جهان را با کلمات هماهنگ کند و نه کلمات را با جهان» (سرل، ۲۰۰۵: ۱۵). از ابزار تسهیل شناخت این نوع کنش، عباراتی مثل «من خرسندم که...»، «من افسوس میخورم که...»، «من تشکر میکنم چون...» است.
مثال از غزل سعدی:

آفرین خدای بر پدری که تو فرزند نازنین پرورد
(کلیات سعدی: ص ۶۲۳)
تا کی ای دلبر، دل من بار تنهایی کشد؟ ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد
(همان: ص ۶۴۸)

در بیت نخست تحسین و تشویق وجود دارد و بیان احساس بصورت مستقیم است. در بیت دوم با پرسش و نیز کاربرد فعل «ترسم»، بیان رنج و پریشانی نموده است.

✱ **اعلامیها (Declarations):** در اینجا گوینده با اعلام گزاره‌ای، تغییری حقیقی در وضعیت جهان ایجاد میکند. «ویژگی تعریف‌شده برای این دسته، این است که نمایش موفق آن، برابری بین محتوای گزاره‌ای و واقعیت را سبب میشود. نمایش موفق تضمین میکند که محتوای گزاره‌ای با جهان، برابر و همسان میشود: اگر من کنش منصوب کردن شما را بعنوان رئیس، موفق اجرا کنم، پس شما رئیس هستید» (سرل، ۲۰۰۵: ۱۷). این کنش دو وجه انطباق - از جهان به کلمات و از کلمات به جهان - را بطور همزمان داراست. البته بیشتر اینگونه است که «اعلامیها تلاش میکنند زبان با جهان هماهنگ شود؛ اما آنها این تلاش را نه با استفاده از توصیف یک دسته از امور موجود (مثل ادعایها) و نه با استفاده از تلاش برای وادار کردن کسی برای انجام اموری در آینده (مثل امریها و تعهدیها) انجام میدهند» (همان: ۱۹). ابزارهای تسهیل شناخت در این دسته از کنشها، «منصوب میکنم»، «اعلام میکنم»، «مینامم» و... است.

مثال از غزل سعدی:

عشق روی تو حرام است مگر سعدی را که به سودای تو از هر که جهان بازآمد
(کلیات سعدی: ص ۶۵۱)

دوستی با تو حرام است که چشمان کشت خون عشاق بریزند و حلالش دارند
(همان: ص ۶۶۱)

در هر دو بیت با اعلام کردن عشق روی یار بر اغیار و دوستی با چشمان یار خونریز، در عالم عاشقانه از مقوله اعلام و حکم بهره میجوید.

***امریها (Directives):** در این کنش که به «کنش ترغیبی» نیز ترجمه شده است، گوینده مخاطب را به انجام کاری وادار میکند. این کنش شامل تمایلات و خواسته‌های گوینده است. «جهت انطباق از جهان به کلمات است و شرایط صدق، خواستن (یا میل داشتن یا آرزو داشتن) است» (سرل، ۲۰۰۵: ۱۳). گوینده با بهره‌گیری از افعالی مثل خواستن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، بایستن، دعوت کردن، دستور دادن، به مبارزه طلبیدن، و تمنا کردن در تلاشند وقایع جهان را با کلمات خود همسو کنند. «از ابزارهای شناخت کنش [امری] میتوان اینها را نام برد: «من نصیحت میکنم که...»، «من پیشنهاد میکنم که...»، «من توصیه میکنم که...»، «من هشدار میدهم که...» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸).

مثال از غزل سعدی:

لاف مزن سعدیا، شعر تو خود سحر گیر سحر نخواهد خرید غمزه جادوی دوست
(کلیات سعدی: ص ۵۸۷)

سر مویی نظر آخر به کرم با ما کن ای که در هر بن موییت دل مسکینیسیت
(همان: ص ۶۰۵)

در مثالهای فوق، بصورت مستقیم از جملات امری ساده استفاده شده است. در بیت اول خطاب به خود و در بیت دوم خطاب به معشوق.

با اینکه طبقه‌بندی سرل بسیار دقیقتر و قابل دفاعتر از صورت اولیهای است که آستین ارائه کرد، اما هرگز به این معنا نیست که این دسته‌بندی فصل الخطاب نظریه کنش منظوری است و دیگر نمیتوان دخل و تصرفی در آن کرد. این نظریه نیز مثل هر نظریه علمی دیگری قابلیت ردّ و اثبات یا تکمیل دارد؛ بویژه در حوزه زبان که عرصه‌ای است کرانه‌ناپدید و متکثر و سیال. «استدلال تجربی سرل مبنی بر اینکه همه کاربردهای زبان را میتوان به یکی از پنج دسته او اختصاص داد، معتبر نیست؛ زیرا افعالی گفتاری وجود دارند که دقیقاً در یک و تنها یک مقوله قرار نمیگیرند» (حسین پور، ۱۴۰۰: ۵۲). گرچه سرل نیز بسته به مراتب و شدت فعل، درباره امکان اختصاص یافتن فعلی به بیش از یک مقوله اذعان کرده است.

میدانیم که اساس کنش منظوری بر زبان گفتار است. نمونه‌هایی که آستین و سرل در هنگام تحلیل، ارائه میکنند، همگی از خلال گفتگوهای روزمره است. این سخن بدان معنا نیست که متون ادبی فاقد قابلیت تحلیل و بررسی از این منظرند؛ بلکه بدان معناست که باید در بررسی متن ادبی، به مختصات دستور تاریخی زبان نیز توجه شود. ابتدا باید با خواندن دقیق آن، پا به جهان متن نهاد و سپس به واکاوی آن مشغول شد. یکی از ویژگیهای زبان سعدی در مجموعه آثارش، آمیختگی آن با زبان گفتار است. سعدی توانسته است پلی از جهان محاورات به دنیای زبان فاخر ادبی بزند و از ظرفیت بالای نحو گفتار بهره برد. در باب این خصوصیت زبان او تحقیقاتی انجام شده است (ر.ک. موحد، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۴۵). به هر روی، در این پژوهش با بررسی جملات امری در غزل سعدی، سعی در

بهره جستن از ظرفیتهای این طبقه‌بندی برای دستیابی به خوانشی دقیقتر و متفاوت از زبان سعدی خواهیم داشت. در این مقاله، برای هر یک از کنشهای گفتاری سرل از غزلیات سعدی مثالهایی می‌آوریم تا مقصود از انواع کنشها در غزلیات روشن گردد. سپس به دسته تلفیقی، که آن را کنش امری-ادعایی نام نهاده‌ایم، می‌پردازیم و پیرامون صورت نحوی و کاربردهای آن بحث میکنیم. میتوان ادعا کرد این شکل تلفیقی در دسته ششم جای میگیرد که هیچیک از دسته‌بندیهای سرل، آن را تمامی پوشش نمیدهد.

نگاهی به شمار اغراض جملات امری: با نظر به اینکه در کتب بلاغی به معانی ثانویه جملات پرداخته شده است و در یک نگاه، قرابتی میان تحلیل منظورشناسی سرل و علم معانی به نظر می‌آید، بجاست که مختصری در این باره توضیح داده شود. آنچه در کتب معانی محلی از اعراب دارد، تعداد اغراض ثانویه‌ای است که یک جمله امری میتواند خلق کند. جالب توجه است که در مقالات و کتب مختلف، تعداد متفاوتی از اغراض ثانوی را برای جمله امری برشمرده‌اند: در *مفتاح/علوم* چهار غرض (ص ۹۴) و در *مطول* تفتازانی نه غرض ثانوی آمده (صص: ۲۴۰ و ۲۴۱) و به همین قیاس در کتب مختلف، شمار متعدد دیگر بیان شده است. شمیسا در کتاب *معانی* سیزده غرض برای فعل امر و هفت غرض برای فعل امر منفی (نهی) در نظر گرفته است (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۹). در مقالاتی نیز که به این موضوع پرداخته‌اند به دستاوردهای جدیدی از اقسام اغراض رسیده‌اند و تا آنجا که جستجو صورت گرفت، این اقسام بسیار بیش از چیزی است که در کتب بلاغت آمده است. با شناختی که از سبک سعدی داریم، آثار سعدی میتواند منبع مناسبی برای بررسیهای نحوی باشد. طبق بررسیهای عباس ماهیار و رحیم افضل‌راد فقط در ۲۳۸ غزل سعدی «سی‌ودو غرض ثانوی در جملات امری غزل سعدی به دست آمد» (ماهیار و افضل‌راد، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۱۳۶).

اما آنچه در این مقاله به آن می‌پردازیم، اغراض ثانویه و شمار آن نخواهد بود؛ بلکه ساخت نحوی آن در دیالوگهای غزل و دستیابی احتمالی به الگو یا الگوهای تکرارشونده برای بیان این اغراض است؛ چراکه «هنر اصلی تحقیق، آشکار ساختن قوانین درونی نظام پدیده‌هاست» (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۱۱). با اینکه «موضوع له جمله امری دستور دادن است، اما در شعر سعدی تقریباً در همه موارد از کارکرد اصلیش خالی است و برای اغراض دیگر به کار برده میشود» (سارلی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). باید دید سعدی به مدد کدام عناصر نحوی، جمله امری را در معانی دیگر می‌گمارد. **جملات امری در غزل سعدی:** در این جستار، مقوله جملات امری و انواع کنشهای منظوری آن مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل انتخاب این نوع جملات این است که کنش امری در درجات و مراتب مختلف صورت میگیرد و بسته به نیروی پیشرانۀ آن، شدت و ضعف مییابد. برای مثال میتوان یک سر آن را التماس و تقاضا تلقی کرد و سر دیگر آن را امر مطلق به شمار آورد. بواسطه همین تنوع در صورتهای بیانی و منظوری و نیز گستره کاربرد آن، توجه و بررسی آن مهم و مفید خواهد بود. آنچه در این بررسی مدنظر است، صورت نحوی و مدل ارائه امر در زبان غزل سعدی است. در همین راستا، با واکاوی فرم و فیزیک جمله‌ها، دریافتیم که جملات امری غالباً در پیکره یک جمله مرکب ذکر شده است و این صورت پرتکرار در همین حجم نمونه شمارش شد. تعداد صدویک جمله مرکب و چهل‌وپنج جمله ساده امری برآورد شد که این به خودی خود نتیجه معناداری نیست. بعنوان نمونه به غزل ۳۲۷ ط، با مطلع «دولت جانپور است صحبت آمیزگار/ خلوت بی مدعی، سفره بی انتظار» که بصورت تصادفی انتخاب شده است، دقت میکنیم. این غزل با گزاره‌ای اخباری در ستایش مصاحبت و منادمت آغاز میشود. سپس در لابلای ابیات بعدی شاعر به «تو» خطاب میکند و در این خطاب از جملات امری بهره میبرد. جملات امری در این غزل گاهی بصورت مرکب و گاهی بصورت جمله ساده متجلی شده است. جمله مرکبی که یکی از بخشهای آن فعل امر

دارد، توضیحی اضافه‌تر از فرمان و امر به مخاطب در خود محفوظ کرده است. گاهی این توضیح بنا بر تعلیل و گاهی بنا بر بیان غایت و گاهی در اتمام معنای یک اسم و نیز گاهی بیان حالت فعل است. البته انواع دیگری نیز بر آن میتوان اضافه کرد. مثلاً در بیت چهارم آورده است:

مشعله‌ای برفروز، مشغله‌ای پیش گیر تا ببرند از سرم ز حمت خواب و خمار
(کلیات سعدی: ص ۷۰۶)

شاعر در این بیت با جمله وابسته خود، علت غایی درخواست امر خود را توضیح میدهد. همین کار را در بیت: روز بهار است، خیز تا به تماشا برویم تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار (همان)

متجلی میسازد و علاوه بر علت غایی، انگیزه امر را نیز مشخص میکند. بدین دلیل که روز بهار است برپا خیز تا برای تماشا بیرون برویم؛ اما در بیت آخر ترجیح سعدی بر آن است که جملات را کوتاه، مستقل و بدون وابسته نقل کند. گویی دیگر توضیحی اضافه را نمیطلبد و بصورت مطلق حکمی قطعی صادر میکند. گویی مخاطب چاره‌ای جز تسلیم نباید داشته باشد. با این حال در معنای ثانویه، میان این جملات کوتاه میتوان رابطه‌ای تعلیلی برقرار کرد و دو به دو جملات را از لحاظ «اتصال» متصل کامل دانست.

دفتر فکرت بشوی! گفته سعدی بگوی! دا من گوهر بیار، بر سر مجلس بیار
(همان)

از لحاظ نحوی با چهار جمله مستقل امری مواجه هستیم، ولی در معنای ثانویه میتوان به توالی و بیان علت غایی میان جملات قائل بود. انگار که سعدی میخواهد مخاطب با شستن دفتر فکرت، فقط به بیان گفته سعدی بپردازد و با آوردن دامنی از گوهر، قدرت ایثار بر سر مجلس را پیدا کند.

نکته در ساختار جملات مرکب است. با بررسی ساختار جملات مرکب دریافتیم که علاوه بر جملاتی که با حروف ربط و شرط ساخته شده‌اند، شمار قابل توجهی جملاتی است که با ساخت نحوی یکسان مانند زیر ساخته شده‌اند:

جمله امری + حرف تعلیل + جمله ادعایی

توضیح اینکه شاعر بدون درنگ پس از صدور جمله امری، سعی در توضیح و توجیه آن دارد. از سویی این ساختار به اقناع ذهن کمک میکند. از سوی دیگر، از آنجا که امر مستقیم در موقعیتهایی که طرفین گفتگو همکفو هستند یا گوینده در سطحی فروتر از مخاطب قرار دارد، بی‌تأثیر یا دارای اثر معکوس است؛ ساخت جمله مرکب تعلیلی، اثربخشی سخن را تضمین میکند. در حقیقت این اثربخشی زمانی که رخ میدهد گزاره ادعایی (assertive) در پیکره ساختار جمله مرکب، معنا و کارکرد اعلامی (declarative) به خود میگیرد و این قطعیت است که ذهن مخاطب را تسلیم خواست گوینده میکند. در ابیاتی که مخاطب معشوق است تعداد جملات امری-ادعایی بیست‌وهفت مورد است. در واقع این دو کنش را نمیتوان در چنین ساخت نحوی از یکدیگر جدا دانست و برای هر یک معنایی جداگانه تلقی کرد؛ چراکه اگر آنها را بصورت مجزا در ساخت بیت معنا کنیم، هم در سطح کنش منظوری و هم در سطح کنش تأثیری تفاوت آشکار ایجاد خواهد کرد.

آخر ای نادره دور زمان، از سر لطف بر ما آی امری زمانی که تعلیل زمان میگذرد ادعایی
(همان، ۶۳۱)

گذر زمان یک امر اطلاعی است، اما در ترکیب با این وجه امری، معنای اعلامی به خود میگیرد؛ به این معنا که نیامدی تا کنون و زمان سپری شد و از دست رفت.

افتاده تو شد دلم ای دوست دست گیر در پای مفاکنش که چنین دل کم او فتد
(همان، ۶۲۱)
توصیف اینکه چنین دل عاشقی کم به دست می‌آید در کنار امر منفی (مفاکنش) حالت هشدار و اعلام دارد.
ز حد گذشت جدایی میان ما ای دوست بیا بیا که غلام توام بیا ای دوست
(همان: ۵۸۵)

توصیف ارادت و خاکساری عاشق با غلام خواندن خود صورت اعلامی گرفته است. نکته جالب توجه اینکه با تکرار فعل امر «بیا»، بار دستوری آن کم شده و به بار تقاضایی آن افزوده شده است که با اعلام وضعیت بندگی، بیش از پیش از فضای تحکمی آن میکاهد.

روا بود که چنین بیحساب دل ببری؟ مکن که مظلّمه خلق را جزایی هست
(همان، ۵۹۰)

گزاره توصیفی «جزا برای دادخواهی خلق» تبدیل به کنشی هشدار و اعلامی شده است؛ بگونه‌ای که جمله «مظلّمه خلق را جزایی هست»، بدون بخش اول آن - «مکن که»- حالت یک جمله ادعایی ساده با درصد تأثیرگذاری کمتر نسبت به حالت مرکب آن است. این ساخت پرتکرار در غزل سعدی یکی از شیوه‌های نفوذ و اقناع مخاطب را آشکار میکند. در زیر جدولی از برخی نمونه‌های این ساخت نحوی مرکب ارائه میگردد تا نمایی کلی از چگونگی ساختار و کاربرد آن آشکار گردد.

جمله امری	حرف تعلیل	جمله ادعایی
بر ما آی زمانی	که	زمان میگردد
در پای مفاکنش	که	چنین دل کم او فتد
بیا بیا	که	غلام توام
مکن	که	مظلّمه خلق را جزایی هست
بیا بیا	که	مرا با تو ماجرای هست
دست من گیر	که	بیچارگی از حد بگذشت
سر من دار	که	در پای تو ریزم جان را
سعدی، خیال خیره مبند	محذوف	سیب سیمین برای چیدن نیست
ساربانان، خبر از دوست بیاور	که	مرا خبر از دشمن و اندیشه بدگویان نیست
عیب سعدی مکن ای خواجه	که	آدمی نیست که میلش به پریرویان نیست
تو ترک صفت کن	که	ازین به صفتی نیست
به تیغ غمزه بزن	که	با تو در او هیچ مرد جنگی نیست
گر خود همه بیداد کند هیچ مگویند	محذوف	تعذیب دلارام به از ذل شفاعت
بیا	که	نوبت صلح است و دوستی و عنایت
غایب مشو	که	عمر گرنامه ضایع است / آلاّ دمی که در نظر بار بگذرد

همانطور که در مثالهای جدول فوق آمده است، شمار قابل توجهی از جملات امری در قالب جملات مرکب ظاهر شده‌اند که با قرار گرفتن در قالب جمله مرکب تعلیلی، از میزان امری بودن آن در بافت عاشقانه کاسته میشود و به کیفیت تأثیرگذاری آن افزوده میشود. در مقوله جمله امری، مسئله مخاطب بسیار مهم است و اینکه جملات خطاب به چه کسی و با چه کیفیتی بیان میشود، قابل بررسی است.

گفتگو و مخاطب‌شناسی جملات امری

گفتگو در غزل سعدی: پیرامون مبحث گفتگو نظریه‌های متعددی مطرح شده است. زبانشناسان و فلاسفه زبان در این حوزه سخنها گفته‌اند و تحلیلها ارائه نموده‌اند. این توجه گسترده به مقوله زبان و گفتگو، خود بیانگر اهمیت آن در شناخت ذهن و زبان در سطح روابط اجتماعی و نیز آفرینشهای ادبی است. گفتگو یا دیالوگ یکی از عوامل پویایی متن است؛ شاید بتوان گفت مهمترین عامل پویایی؛ چراکه در خلال گفتگو، ذهن به کلام تبدیل میشود و شناخت طرفین گفتگو باعث وضوح بیشتر متن و روایت و شخصیتها میشود. دیالوگ بمثابة یک پیشرانه برای جلو بردن روایت عمل میکند. گفتگوها میتوانند درونی یا بیرونی باشند. در نمایش، این شکل از گفتگوها را به «تک‌گویی»، «مونولوگ»، «خودگویی» و «کنارگویی» برای گفتگوهای یک‌نفره تقسیم کرده‌اند. به هر روی آنچه روشن است، این است که گفتگو دست کم نیاز به دو طرف دارد. طرف دوم میتواند در ذهن یا عین قرار گیرد و «برای ایجاد ارتباط مؤثر هرچه تفاوت میان مقصود دو طرف -گوینده و مخاطب- کمتر باشد، رابطه بهتر و تأثیرگذارتری ایجاد خواهد شد» (امینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

گوینده ← مخاطب ← گوینده ← مخاطب

برای تحلیل یک گفتگو، عمدتاً به این موارد توجه میشود: ساز و کار نوبت‌گیری، ساز و کار توالی و طراحی نوبت، انتخاب واژه‌ها و تأثیر آن بر شفافیت گفتار، سازمان ساختار (زبلی، ۱۳۹۵، ۱۰۲-۱۰۷).

در میان آثار سعدی، عنصر گفتگو -بسته به نوع ادبی و فضای متن- کیفیت متنوعی یافته است؛ البته «باید در گفتگوهای اشعار به این موضوع توجه شود که وجه زیباشناسانه آن پیش از کاربرد ارتباطی آن بمنزله ارسال یک پیام معمول مدتظر است. این یک تمایز اساسی بین گفتگوهای بینافردی محاوره‌ای و گفتگوهای شعری ایجاد میکند؛ یعنی تمایز در هدف گفتگو. چنانچه بخواهیم این موضوع را با تعریف یاکوبسن روشن کنیم، «جهتگیری پیام در گفتگو میتواند بسوی هر کدام از ارکان ارتباط اعم از فرستنده، گیرنده، زمینه، رمز، تماس باشد اما بسوی خود پیام نمیتواند باشد» (محمدی آسیابادی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). در پژوهش حاضر، مبحث جمله امری-ادعایی در مکالمات غزل سعدی مورد مذاقه قرار گرفته است. آنچه در غزل سعدی وجه ممیز تلقی میشود در شیوه بهره‌گیری وی از زبان است، نه لزوماً تصویرسازی و حوزه علم بیان. فتوحی درباره این موضوع مینویسد: «یکی از مسائلی که درباره کلام سعدی بسیار مطرح میشود، سبک طبیعی یا نحو معیار است. شعر سعدی به نحو معیار یا نظم پایه زبان فارسی بسیار نزدیک است. این بیت را ملاحظه کنید:

نوک مژگانم به سرخی بر بیاض روی زرد قصه دل مینویسد، حاجت گفتار نیست

مشاهده میکنید که ساخت نحوی بر دولختی بودن مصرعها تفوق یافته است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). مصداقهایی از این دست در شعر سعدی فراوان است و این حاکی از نحو طبیعی زبان اوست. در همین مقاله به نکات دیگری همچون جمله معترضه، رقص ضمیر، اهمیت حروف، حذف و تکرار اشاره میشود که قرابت زبان شعر سعدی با نحو

گفتار را تبیین میکند. سارلی درباره دلایل دریافت غرض ثانوی در غزل سعدی، به «بافت» اشاره میکند. «بافت»، حضور گوینده و شنونده و موقعیتی است که آنها را احاطه کرده است. ... این گونه بافت بیشتر در گفتار مهیاست تا نوشتار؛ زیرا در حوزه نوشتار، گوینده و شنونده با هم فاصله زمانی و مکانی دارند؛ بنابراین ابزار نویسنده برای القای اغراض ثانویه کمتر است» (سارلی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). با این وصف، بررسی جملات در خلال گفتگوهاست که تحلیل ساخت و کارکرد آنها را معنادار میسازد. در غزل سعدی انواعی از صورتهای گفتگو به کار رفته است که میتوان آنها را در دسته‌های زیر قرار داد:

الف- گفتگوی عمومی غزل در سطح کلان بین سعدی و مخاطب غزل.

ب- گفتگوهای آشکار با ذکر «گفتم / گفت».

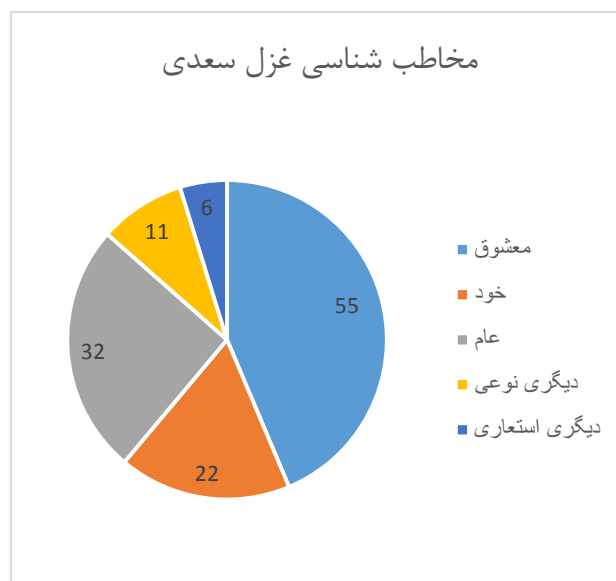
ج- گفتگوهای مندرج در بدنه غزل مبتنی بر حکایت.

د- گفتگوهای نامرئی به مدد التفات.

اشکال متعدد جملات امری در همین چهار دسته رخ میدهد.

مخاطب‌شناسی غزل سعدی: از آنجا که کنش ترغیبی یا امری بسیار وابسته به نوع مخاطب است، توضیحاتی در این باره ارائه میگردد. پیرامون مخاطب‌شناسی سعدی در غزل، با توجه به بررسیهایی که در حجم نمونه مورد نظر صورت گرفت، به پنج دسته کلی تقسیم‌بندی شد، شامل معشوق (زمینی یا آسمانی)، خود سعدی، مخاطب عام، دیگری نوعی، دیگری استعاری. در جدول و نمودار زیر تعداد دفعاتی که سعدی آن مخاطبان را مورد خطاب قرار داده، مشخص شده است.

مخاطب	تعداد
معشوق	۵۵
عام	۳۲
خود	۲۲
دیگری نوعی	۱۱
دیگری استعاری	۶



از میان ۹۳۸ بیت این صد غزل، ۱۲۶ بیت دارای فعل امری است؛ یعنی حدود ۱۳ درصد. باید در نظر داشت مقصود از کنش امری یا ترغیبی در این مقاله، صرفاً جملات و عباراتی است که مستقیماً صورت نحوی امری دارند و از بررسی سایر شکل‌های زبانی که در لایه‌های زیرین حامل معنای امر یا تقاضا هستند خودداری شده است. مخاطبی که بیشترین درصد خطاب امر را به خود اختصاص داده، معشوق است. معشوقی که از او سخن می‌گوییم، شامل هر دو خوانش از معشوق میشود (زمینی و آسمانی). خداوند نیز در ساحت خدایی خود مورد خطاب قرار می‌گیرد که آن را در دسته «دیگری نوعی» قرار دادیم.

بنده خویشتنم خوان که به شاهی برسم مگسی را که تو پرواز دهی شاهینی است
(کلیات سعدی: ص ۶۰۵)

توضیحی که ضروری است درباره مخاطب عام بیان شود، اینکه هر اثر ادبی و هنری بمتابۀ یک متن، یک مخاطب دارد که در متون تعلیمی انتظار میرود بسیار بیش از یک متن عاشقانه مورد خطاب قرار گیرد. مقصود از مخاطب عام، خواننده اثر است. این مخاطب ارجاع مشخص و دقیقی ندارد؛ گاهی نوع انسان را در نظر دارد و گاهی مخاطب خواننده اثر.

مخاطب دیگر گفتگوهای سعدی در غزل، خود اوست و عمدتاً در ابیات دارای تخلص صورت گرفته است. واریسی جملات امری سعدی در خطاب به خود، تفاوتی چشمگیر را آشکار میکند؛ بدین شرح که در قیاس با خطابهای امریش به دیگران، کمتر از ساختار تعلیلی و استنتاجی بهره جسته و به عبارتی بیباکانه از ساخت دستوری بهره میبرد.

از دست دوست هرچه ستانی شکر بود سعدی رضای خود مطلب چون رضای دوست
(همان: ص ۵۷۸)

سعدی چو دوست داری آزاد باش و ایمن ور دشمنی بباشد با هر که در جهانت
(همان: ص ۶۱۶)

منظور از دیگری نوعی، تیپهای مؤثر غزل سعدیند شامل: ساقی، ساریان، خواجه، نصیحتگر، سرزنشگر، دوستان. گاهی برخی از این تیپها ساحتی از شخصیت مخاطب عام (خواننده) را نمایندگی میکنند. مثلاً:

ای خواجه به کوی دلستانان زنه‌ار، مرو که ره به در نیست
(همان: ص ۵۹۶)

با زمانی دیگر انداز ای که پندم میدهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
(همان: ص ۵۹۸)

عیب سعدی مکن ای خواجه اگر آدمیئی کآدمی نیست که میلش به پیرویان نیست
(همان: ص ۶۰۱)

در مثالهایی از این دست، شاعر با مخاطب قرار دادن خواجه و دوستان و نصیحتگر و... سعی دارد با محدودتر کردن گستره خطاب از یک عام مطلق به یک تیپ یا شخصیت خاص، توجه خواننده را جلب کند. بطور کلی، تأثیرگذاری خطاب عام نسبت به خطاب خاص محدودتر است؛ پس شاعر با استفاده از حرکت از عام به خاص تلاش میکند روند خطابها را از خطی بودن خارج کند.

در میان مخاطبان سعدی، گاهی عناصر بیجان یا مفاهیمی موجود است مثل باد صبا، غم، عشق، و خاک کوی یار. گاهی اینها ساحتی از معشوق را نمایندگی میکنند که هر گاه جمله امری خطاب به این عناصر صادر میشود، گویی از ضربه امری بودنش در مقابل یار کم میکند تا خللی به ساحت معشوق وارد نشود.

از دل برون شو ای غم دنیا و آخرت یا خانه جای خواب بود یا خیال دوست
(همان: ص ۵۸۱)

ای نسیم سحر از من به دلارام بگوی که کسی جز تو ندانم که بود محرم دوست
(همان: ص ۵۸۲)

نی‌نی ای باد مرو حال من خسته مگوی تا غباری ننشیند به دل خرم دوست
(همان)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با تحلیل صد غزل به تعداد ۱۴۶ جمله امری در ۱۲۶ بیت دست یافتیم. مخاطبان این ابیات در پنج گروه دسته‌بندی شدند. از مجموعه جملات امری تعداد صدویک جمله، ساخت مرکب دارد. از صدویک جمله مرکب، شصت‌وپنج جمله همراه با «که» تعلیل یا معنای تعلیلی است که این آماری معنادار است. با نگاهی به این شصت‌وپنج جمله، دریافتیم که سی‌ویک جمله آن خطاب به معشوق و باقی جملات مرکب تعلیلی خطاب به چهار دسته دیگر مخاطبان است. بنابر این آمار، به مدد نظریه کنش‌گفتار سرل، ساخت این جملات از حیث منظورشناسی بررسی شد. دستاورد این پژوهش بدین شرح است: با بررسی ساختار جملات امری-تعلیلی سعدی در غزلیات دریافتیم که سعدی با بهره‌گیری هوشمندانه از امر و توصیف، به قطعیتی دست مییابد که بسان یک گزاره اعلامی قابل ارائه است. طبق نامگذاری و علائم اختصاری سرل، چنین دستوری دارد:

جمله امری (ترغیبی) + که تعلیل + جمله ادعایی = جمله اعلامی (حکمی)

سعدی با انتخاب جملات مرکب یا ساده (خودآگاه یا ناخودآگاه) به اقتناع ذهن مخاطب و تأثیر و نفوذ بر او توجه میکند. روش منطق ذهنی سعدی اینگونه به نظر میرسد که از تکرار یک ساخت نحوی، بهره‌کشی اقناعی میکند. دستاورد دیگر این پژوهش در حوزه انواع گفتگو و مخاطب‌شناسی غزل است. انواع گفتگو بدین شرح است: الف-

گفتگوی عمومی غزل در سطح کلان بین سعدی و مخاطب غزل، ب- گفتگوهای آشکار با ذکر «گفتم / گفت»، ج- گفتگوهای مندرج در بدنه غزل مبتنی بر حکایت، د- گفتگوهای نامرئی به مدد التفات. در مخاطب‌شناسی غزل که مقوله‌ای مهم در گفتگوست به پنج دسته به ترتیب بسامد دست یافتیم: ۱- معشوق، ۲- مخاطب عام، ۳- خود شاعر، ۴- دیگری نوعی، ۵- دیگری استعاری. شکل کاربرد جملات مرکب تعلیلی در مواجهه با معشوق بیشترین کاربرد را دارد و کمترین کاربرد را برای خود شاعر؛ گویی برای امر به خود، ضرورتی برای آوردن علت نمییابد.

سودابه فرخی، نسرین فقیه ملک مرزبان

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء (س) استخراج شده است. سرکار خانم دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سودابه فرخی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

در این مجال، از مدیرمسئول و سردبیر و سایر اعضای هیئت تحریریه مجله علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، که مسئولانه پاسخگوی نویسندگان این مقاله بودند و از اتلاف وقت پرهیز دارند، بسیار سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Amini, Sadina, Farhad Tahmasabi and Sare Zirak. (2019). "Discourse stylistics of a Ghazal by Sa'adi (based on analysis of two lexical and rhetorical layers)", *Scientific quarterly of interpretation and analysis of Persian language and literature texts* (Dekhoda), 12 (46), pp. 129-152.
- Fotuhi Roudmajni, Mahmoud. (2011). "The magic of syntax in Sa'adi's ghazal", *Sa'adishenasi*, by Kourosh Kamali Sarvestani, (14), pp.159-170.
- Hosseinpour, Gholamreza. (2021). "Delay in Austin and Searle's classifications of thematic verbs in speech", *Philosophical Magazine*, 49 (2), pp.40-56.
- Jacobsen, Roman. (1997). *Fundamental trends in language knowledge*, translated by Koroosh Safavi, Tehran: Hermes.

- Mahyar, Abbas and Afzali rad, Rahim. (2014). "Examining the secondary purposes of imperative sentences in Sa'adi's Ghazal", *specialized quarterly of Persian poetry and prose stylistics* (Bahar Adab), 7(2), pp.123-136.
- Mohammadi Asiabadi, Ali. (2010). "Dialogue and its structure in Ghazliat Shams", *Molana Pazhuhi*, 1(2), pp.183-199.
- Movahhed, Zia. (2013). Sa'adi, fifth edition, Tehran: Nilufar.
- Repley, Tim. (2016). *Doing Conversation, Discourse and Document Analsis*, translated by Abdollah Bichranlou, Tehran: Elmi va Farhangi.
- Sa'adi, Moslehuddin. (2011). *Koliat Sa'adi*, edited by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Hermes.
- Sakaki, Abu Yaqub. (no date). *Meftah al-Uloom*, Beirut: Dar al-Kitab al-Elamiye.
- Sarli, Naser Qoli. (2011). Sa'adi's special rhetoric in Ghazal, *Sa'adishenasi*, by Kourosh Kamali Sarvestani, (14), pp.201-210.
- Searle, John. (2005). *Speech acts*, translated by Ali Abdullahi, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Shamisa, Siroos. (2007). *Ma'ani*, second edition, Tehran: Mitra.
- Zarqani, Seyyed Mahdi and Akhlaghi, Elham. (2012). "Analysis of the Shath genre based on the theory of speech act", *Al-Zahra University's Scientific Research Quarterly of Mystical Literature*, 3(6), Spring and Summer, pp.61-80.

فهرست منابع فارسی

- امینی، سادینا، فرهاد طهماسبی و ساره زیرک (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی گفتمانی غزلی از سعدی (با تکیه بر تحلیل دو لایه واژگانی و بلاغی)»، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، (۴۶) ۱۲، صص ۱۲۹ - ۱۵۲.
- حسین پور، غلامرضا (۱۴۰۰). «درنگی در طبقه‌بندی‌های آستین و سرل از افعال مضمون در سخن»، مجله فلسفه، (۲) ۴۹، صص ۴۰-۵۶.
- ریلی، تیم (۱۳۹۵). راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند، ترجمه عبدالله بیچرانلو، تهران: علمی و فرهنگی.
- زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار»، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، (۶) ۳، صص ۸۰-۶۱.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۰). بلاغت خاص سعدی در غزل، سعدی‌شناسی، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، دفتر چهاردهم، صص ۲۰۱-۲۱۰.
- سرل، جان (۱۳۸۵). افعال گفتاری، ترجمه علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۹۰). کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سکاک، ابویعقوب (بی تا). *مفتاح العلوم*، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). معانی، ویراست دوم، تهران: میترا.
- فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۰). *جادوی نحو در غزل سعدی*، سعدی‌شناسی، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، دفتر چهاردهم، صص ۱۵۹-۱۷۰.

ماهیار، عباس و افضل‌راد، رحیم (۱۳۹۳). «بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزل سعدی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۲) ۷، صص ۱۲۳ - ۱۳۶.
محمدی آسیابادی، علی (۱۳۸۹). «گفتگو و ساختار آن در غزلیات شمس»، مولاناپژوهی، (۲) ۱، صص ۱۸۳ - ۱۹۹.

موحد، ضیاء (۱۳۹۲). سعدی، چاپ پنجم، تهران: نیلوفر.

یاکوبسن، رومن (۱۳۷۶). روندهای بنیادین در دانش زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

معرفی نویسندگان

سودابه فرخی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

(Email: s.farokhi@alzahra.ac.ir)

نسرین فقیه ملک مرزبان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

(Email: nfaghieh@alzahra.ac.ir: نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Soodabeh Farrokhi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

(Email: s.farokhi@alzahra.ac.ir)

Nasrin Faghieh Malek Marzban: Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

(Email: nfaghieh@alzahra.ac.ir : Responsible author)